



دانشگاه شهید باهنر کرمان

پژوهشکده فرهنگ اسلام و ایران

Research Center of Islam  
and Iran Culture



شرکت فی مسکن سازان

## دومین سمینار بین‌المللی زبان‌های ایرانی (ایرانی میانه)

پژوهشکده فرهنگ اسلام و ایران، دانشگاه شهید باهنر کرمان

۲۳ و ۲۴ مهر ۱۳۹۶

برگزارکنندگان

گروه پژوهشی فرهنگ و زبان‌های باستانی پژوهشکده فرهنگ اسلام و ایران

با همکاری

دانشگاه گوته فرانکفورت

دانشگاه برلین

[isi12.uk.ac.ir](http://isi12.uk.ac.ir)



## به نام خداوند جان و خرد

در تاریخ زبان‌های ایرانی، دورهٔ زبان‌های ایرانی میانه مرحلهٔ انتقال و حلقهٔ رابطی است که زبان‌های ایرانی باستان را به زبان‌های کنونی ایرانی پیوند می‌دهد. تردیدی نیست که شناخت این مرحله، فهم درست‌تری را از تاریخ، ادیان، هنر، زبان و ادبیات این مرز و بوم فراهم آورده، همچنین کمک می‌کند که پیشینهٔ بسیاری از سنت‌های ادبی شعر و ادب فارسی را بهتر درک کنیم، سنت‌هایی که ریشه در تاریخ و فرهنگ هزاران سالهٔ ما دارد که از مرحلهٔ دورهٔ میانه گذر کرده و در آثار حماسی، غنایی و تعلیمی ادبیات دورهٔ اسلامی ایران جامه نو کرده است. سمینار بین‌المللی زبان‌های ایرانی میانه دومین گامی است که گروه پژوهشی فرهنگ و زبان‌های باستانی پژوهشکدهٔ فرهنگ اسلام و ایران دانشگاه شهید باهنر کرمان برداشته است تا فرصتی فراهم کند استادان و پژوهشگران دیدگاه‌های خود را در بارهٔ فرهنگ، ادب و زبان دورهٔ مهم تاریخی میانهٔ ایران عرضه کنند. به خود می‌بالیم که توانسته‌ایم پژوهشگران برجسته‌ای را در عرصهٔ ایران‌شناسی از دانشگاه‌های برلین، گوتته فرانکفورت، لندن و بوردو پاریس در کنار تعدادی از پژوهشگران صاحب‌نظر ایرانی گرد هم آوریم تا آخرین دستاوردهای علمی خود را در شهر تاریخی کرمان مطرح کرده و در معرض نقد و ارزیابی قرار دهند.

برآنیم که در زمان برگزاری این سمینار از همت والای بانی تأسیس پژوهشکدهٔ فرهنگ اسلام و ایران، آقای دکتر شاهرخ وفاداری کرمانی، که برنامه‌هایی چنین حاصل دهش بایسته و ستودنی ایشان است، قدردانی کنیم. همکاران، دانشجویان و دوستان بسیاری ما را همراهی و یاری کرده‌اند که مجال سپاسگزاری از همهٔ آنان در این مختصر نیست، اما بایسته است از لطف و عنایت آقای دکتر طاهر، رئیس دانشگاه، آقای دکتر نظام-آبادی، معاون پژوهشی، خانم دکتر احتشام‌زاده معاون سابق پژوهشی، آقای دکتر بصیری، معاون فرهنگی، آقای دکتر قنبرپور، مدیر کل حوزهٔ پژوهشی؛ و از همکاران گرامی خانم تورانی و خانم عرب‌نژاد سپاسگزاری شود.

رئیس سمینار: دکتر محمدرضا صرفی  
دبیر علمی: دکتر عباس آذرانداز  
دبیر اجرایی: دکتر معصومه باقری حسن کیاده  
دبیر امور بین الملل: دکتر علی اصغر مقصودی

کمیته علمی (بر اساس ترتیب الفبا):

دکتر عباس آذرانداز، دکتر داریوش اکبرزاده، دکتر معصومه باقری، دکتر کارلو چرتی، دکتر حمیدرضا دالوند، دکتر حسن رضایی باغبیدی، دکتر زهره زرشناس، دکتر محمدرضا صرفی، دکتر سالومه غلامی، دکتر آلبرتو کانترا، دکتر فرزانه گشتاسب، دکتر کلودین گوتیه، دکتر کنایون مزداپور، دکتر موسی محمودزهی، دکتر علی اصغر مقصودی، دکتر چنگیز مولایی، دکتر الموت هینتزه

محل برگزاری

پژوهشکده فرهنگ اسلام و ایران، دانشگاه شهید باهنر کرمان

isil2.uk.ac.ir

## نشانه‌هایی از ادبیات مزدیسی در سرودهای مانوی نریسف یزد

دکتر عباس آذرانداز<sup>۱</sup>

دکتر معصومه باقری<sup>۲</sup>

مانویان ایرانی در سرودهایی که به دو زبان پارسی و فارسی میانه سروده‌اند، از دو سنت متفاوت پیروی کرده‌اند. در سرودهای مربوط به گریو زنده و جان محبوس در تن آدمی، از جمله سرودنامه‌های روایی بلند هویدگمان و نگدروشان که مضمون عرفانی دارند، متأثر از سنت ادبی گنوسی‌اند و روش سرایندگان در تصویر کردن مفاهیم عرفانی استفاده از تمثیل، استعاره و تشبیه است، اما در سرودهایی که در ستایش ایزدانی چون پدر بزرگی، مهریزد و نریسه یزد است، رنگ حماسی بر سبک آنها غلبه دارد که از سنت‌های ادبی و حماسی ایران باستان تأثیر گرفته‌اند. نریسف یزد پارسی که در فارسی میانه نریسه یزد نامیده می‌شود، از ایزدان آفرینش سوم در کیش مانوی است که سرودهای ستایشی بسیاری خطاب به او در میان دست‌نوشته‌های مانوی

---

۱. عضو پژوهشکده فرهنگ اسلام و ایران، دانشگاه شهید باهنر کرمان  
abbasazarandaz@yahoo.com

hmahroo@yahoo.com

۲- استادیار دانشگاه شهید باهنر کرمان

مکشوف در تُرفان چین بر جای مانده است. این قطعات اغلب در مجموعه دست‌نویس‌های تُرفان در برلین نگهداری می‌شود. چند قطعه از این مجموعه که با شناسه M 67، M 77، M 39، M 32 و M 5260 فهرست شده‌اند، در این گفتار از نظر ادبی نقد و بررسی و پیشینه فرهنگی و ادبی آن نشان داده می‌شود. این سرودها که به سرودهای نریسفی‌زدی شناخته می‌شوند، متأثر از سنت‌های فرهنگی و ادبی ایران‌اند، صفات داده شده به نریسفی‌زد، خویشکاری-های او، مفاهیم و تصویرهای به کاررفته در آنها و به طور کلی، سبک بیان شاعر تحت تأثیر *اوستا*، *یشت‌ها*، *بویژه مهریشت* قرار دارد.

**کلیدواژه‌ها:** سرودهای مانوی، نریسفی‌زد، یشت‌ها، مهریشت.

## بررسی چند واژه در تاریخ بیهقی

فاطمه جهان‌پور<sup>۱</sup>

متون ادبی - تاریخی قرون نخستین اسلامی که به زبان فارسی نو نوشته شده‌اند، گنجینه گرانبهایی از واژگان و لغات فارسی میانه است که علی‌رغم گسترش زبان عربی و گرایش و میل ایرانیان به آموختن و پرداختن به این زبان، همچنان در گویش و نوشتار ایشان به کار رفته و به حیات خود ادامه داده است. این واژگان، گاه در شکل کهن خود و با همان معنا و گاه با اندکی تحول در آوا و تغییر در معنا، مورد استفاده قرار گرفته و گویای زنده و پویا بودن زبان فارسی در این دوران است. این مقاله می‌کوشد با بررسی و ریشه‌یابی چند واژه به کار رفته در تاریخ بیهقی، سنت کاربرد این واژگان کهن فارسی میانه توسط نویسندگان قرون نخستین اسلامی را نشان دهد.

**کلیدواژه‌ها:** تاریخ بیهقی، واژگان فارسی میانه، سپاس داشتن، به دانش کردن، عرض کردن.

---

<sup>۱</sup> - دانشگاه فردوسی مشهد fjahanpour@gmail.com

## برخی ابعاد مطالعه سنت زردشتی در ایران پس از اسلام

دکتر حمیدرضا دالوند<sup>۱</sup>

بی‌گمان اصطلاح "سنت زردشتی" چنان مبهم و پر مسئله است که به دشواری می‌توان برای آن تعریفی روشن، جامع و مانع به دست داد. به ندرت دو پژوهشگر یافت می‌شود که بر سر قلمرو زمانی، مکانی و موضوعی آن تفاهم داشته باشند. البته این دشواری‌ها ویژه همین اصطلاح نیست؛ بلکه در هر حوزه‌ای از دانش که باشیم، چنین مشکلاتی از مفهوم "سنت" ریشه می‌گیرند. مفهومی که همواره در میان پژوهشگران علوم اجتماعی، تاریخ، سیاست و فلسفه موضوع بحث بوده است. گذشته از همه این دیدگاه‌ها، نقدها و بار معنایی متنوعی که در بافت‌های مختلف بر واژه سنت حمل شده است، هنوز قابلیت آن را دارد که در ترکیب با مفهوم "زردشتی"، اصطلاحی برای توصیف گستره وسیعی از فراز و فرودهای دینی و نیز دگرگونی‌های مختلف جامعه زردشتی پدید آورد و همه آن‌ها را به گونه‌ای معنادار در یک قاب جای دهد.

شاید برای مطالعه چنین گستره وسیعی، تعریف دقیق آن چندان کارآمد نباشد؛ زیرا قابلیت آن در همین ابهامات نهفته است. با این حال، لازم است تا کوشش شود

---

<sup>۱</sup> - عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی [zurvandad@yahoo.de](mailto:zurvandad@yahoo.de)



که دست‌کم خطوط کلی آن روشن گردد و ابعاد و ارکان اصلی حوزه سنت زردشتی مشخص شود: تاریخ و تحولات تاریخی جامعه زردشتی، چگونگی شکل‌گیری وضعیت فعلی آن، الگوی مهاجرت جامعه زردشتی درون مرزهای ایران، گویش‌شناسی، حلقه‌های هیربدستانی و خانواده‌های بزرگ، بازشناسی متون، به‌بخشی به تفسیر دینی معطوف به زمان، خوانش‌های دینی مختلف، احیای میراث فکری برجای مانده از سنت یادشده و .... همه و همه ابعاد موضوعی سنت زردشتی در روزگار اسلامی هستند که در کنار هم تصویری روشن و معنادار از سرگذشت کیش زردشتی به دست خواهند داد و حتی الگویی فراهم خواهند ساخت که دقیق‌تر بتوان گذشته دور تاریخ تحولات این کیش کهن را مطالعه کرد. گفتار پیش رو بر آن است به شرح و معرفی ابعاد یادشده پردازد و خطوط کلی سنت مورد بحث را پررنگ‌تر سازد.

**کلید واژه‌ها:** ایران پس از اسلام، زردشتیان، تاریخ، سنت زردشتی.

## زبان همدلی

دکتر محمدرضا صرفی<sup>۱</sup>

زبان، به عنوان پیچیده‌ترین پدیده‌ی مربوط به حیات انسان، جلوه‌ها و شکل‌های بسیار متنوعی دارد. آن‌چه به بیان در می‌آید و در قالب کلمات ریخته می‌شود، جنبه‌ای از زبان است که ظاهر کننده‌ی اندیشه‌های درونی و ذهنی انسان-هاست. از این دو جنبه‌ی زبان در متون مختلف ادبی، فلسفی و کلامی با نام‌های گوناگونی یاد شده است. گاه از آن به زبان و کلام لفظی و مظهر و کلام و زبان نفسی و مضمیر یاد شده است. در یونان باستان تعبیر لوگوس باطنی و لوگوس ظاهری را برای تفکیک این دو به کار برده‌اند. در آثار ادبی و فلسفی به جا مانده از فارسی میانه، بر مبنای بینش فلسفی بسیار ارزشمند خود، برای هر پدیده‌ی گیتیانه، از جمله زبان، جلوه‌ای مینوی و باطنی در نظر می‌گرفتند. این جنبه‌ی باطنی زبان، محدود به هیچ یک از زبان‌های شناخته شده و متداول در میان ملت‌ها نیست؛ بلکه به منزله‌ی یکی از اشتراکات ذاتی و فطری انسان‌هاست که سبب می‌شود مردم کشورهای مختلف با زبان‌های ظاهری متفاوت، بتوانند اندیشه‌های خود را از طریق ترجمه به یکدیگر منتقل نمایند و علی‌رغم تفاوت‌های ظاهری، موفق به تفاهم با دیگران شوند. مولانا از این جنبه از زبان با

---

<sup>۱</sup> - استاد دانشگاه شهید باهنر کرمان و عضو پژوهشکده فرهنگ اسلام و ایران  
m\_sarfi@yahoo.com

عبارت "زبان همدلی" یاد کرده است. فلاسفه و متکلمین معتقدند زبان لفظی (یا همان زبان بیرونی، گفتاری و زبان قال) مبتنی بر زبان یا کلام نفسی (درونی، باطنی، اندیشه و فکر) است. در این گفتار با روش تحلیل محتوای کیفی، ویژگی‌ها، ارزش، نقش و اهمیت این زبان در حیات اجتماعی و گفتگوی انسان-ها، با فرهنگ‌های متفاوت و زبان‌های ظاهری مختلف، بررسی شده است.

**کلیدواژه‌ها:** زبان، کلام نفسی، کلام لفظی، لوگوس.

## رده‌شناسی زبانهای ایرانی: دیدگاههای سنتی، دست‌آوردهای نوین

دکتر سالومه غلامی<sup>۱</sup>

یکی از موضوعات مهم در شاخهٔ زبان‌شناسی تاریخی، رده‌بندی زبانهای ایرانی است. از زمانی که تدسکو در سال ۱۹۲۱ الگوی درخت زبانهای ایرانی را مطرح کرد تا به امروز، تئوریهای گوناگونی برای بهبود این الگو مطرح شده است؛ ولی تا به امروز تغییرات اساسی چندانی در این نظریه صورت نگرفته است. از مهمترین تلاشهایی که در این راستا پس از تدسکو انجام گرفته است، می‌توان به پژوهشهای آندریاس، لنتز، مکنزی، ویندفور، پاول، کورن، گیپرت و ... اشاره کرد. ولی مهمترین و اساسی‌ترین انتقادات به شیوهٔ سنتی رده‌بندی زبانهای ایرانی در سال ۲۰۱۶ توسط آگنس کورن مطرح شد.

هدف این گفتار، ارائهٔ تئوریهای سنتی در زمینهٔ رده‌بندی زبانهای ایرانی و نقد آنها و همچنین، بررسی دستاوردهای نوین با تمرکز بر دیدگاه زبانشناسی تاریخی خواهد بود. در این سخنرانی الگوهای جدید برای درک بهتری از روابط زبانهای ایرانی با یکدیگر ارائه خواهد شد و کوشش می‌شود که اصولی جدید

---

<sup>۱</sup> - استاد و پژوهشگر زبان‌شناسی تطبیقی (تجربی) دانشگاه فرانکفورت  
Gholami@em.uni-frankfurt.de

برای رده بندی زبانهای ایرانی و طبقه بندی گویشها و زبانهای ایرانی معرفی شود.

رویکرد پژوهشی در این تحقیق رویکردی تاریخی است و بنابراین، تحول تاریخی زبانهای ایرانی از دوره باستان به میانه و از دوره میانه به دوره جدید مورد توجه قرار می گیرد. در این میان تمرکز خاصی بر روی برخی از زبانهای ایرانی صورت خواهد گرفت، که نقش مهمی در طبقه بندی زبانهای ایرانی ایفا می کنند؛ مانند بلخی، فارسی میانه و پارتی (از دوره میانه) و زازاکی و دری زرتشتی (از دوره جدید).

**کلید واژه ها:** رده شناسی، زبان شناسی تاریخی، دوره باستان، دوره میانه، دوره جدید، بلخی، فارسی میانه، پارتی، زازاکی، دری زرتشتی، مرزهای همگویی.

## درباره کتابی که به نام «دساتیر» در دست داریم

دکتر فرزانه گشتاسب<sup>۱</sup>

کتابی که اکنون به نام «دساتیر» در دست داریم، کتابی است که ملاکاووس در سفر خود به ایران در سال ۱۷۷۸م، آن را در اصفهان یافت و به هند برد. پیش از آن که این کتاب پیدا شود، پژوهشگران به واسطه کتاب *دستان مذهب* از کتابی به نام *دساتیر* آگاهی داشتند. پس از انتشار *دساتیر*، پژوهشگران و مستشرقان به دلیل زبان ساختگی و جعلی که در این کتاب به کار رفته بود، آن را کنار گذاشتند، اما ادیبان و شاعران و فرهنگ‌نویسان و مورخان فارسی زبان، از مطالب آن و واژه‌های دساتیری در نوشته‌های خود استفاده کردند. این مقاله در جستجوی پاسخ این سوال است که آیا دساتیری که ما در دست داریم، همان *دساتیر* آسمانی است که آذرکیوانیان در کتاب‌های خود از آن یاد کرده‌اند و آن را الهامات خداوند بر مه‌آباد و دیگر پیامبران پس از او می‌دانند؟ در نوشته‌های آذرکیوانیان به کتاب *دساتیر* با ترجمه و تفسیر ساسان پنجم اشارات بسیاری شده و مطالبی از آن نقل شده است. بررسی این شواهد نشان می‌دهد که کتابی که ما در دست داریم، نمی‌تواند همان *دساتیر* ساسان پنجم باشد. این

---

<sup>۱</sup> - عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
goshbasfarzaneh@gmail.com

کتاب احتمالاً مجموعه‌ای است از متونی که آذرکیوانیان به زبان فارسی نوشته یا ترجمه کرده بودند و پس از آذرکیوان گردآوری و تدوین شده و سپس، در همان دوره یا دوره‌های بعد، تمام نوشته‌های آن به زبانی جعلی برگردانده شده است.

**کلید واژه‌ها:** دبستان مذاهب، دساتیر، ملا کاوس، ساسان پنجم، آذرکیوان.

## نقش فاعلی شاه گشتاسب در متن «یادگار زریران» براساس تحلیل کلام

دکتر موسی محمودزهی<sup>۱</sup>

هر مکالمه، متن یا نشانه زبانی قابلیت تحلیل کلامی دارد. در تحلیل کلام، کاربرد زبان مورد بررسی قرار می‌گیرد. در کاربرد زبان، نقش افراد شرکت‌کننده، زمان، مکان، ابزارهای پیوند دهنده کلام، نحوه ارتباط، و شیوه بیان مطالب (صریح یا غیر صریح بودن) در مکالمه و یا متن مؤثراند. در این مقاله نقش فاعلی گشتاسب - یکی از شخصیت‌های شاخص - متن یادگار زریران (یکی از متون شناخته شده ایرانی میانه) با روشی تحلیلی-توصیفی و با نگاهی صورت‌گرایانه بر اساس چهار اصل معروف پایول گرایس شامل کمیت، کیفیت، ارتباط، حالت (quantity, quality, relation, manner) به عنوان اصول همکاری (co-operation principles) در پیشبرد کلام مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج روند داستان نشان می‌دهد که بر اساس این نقش، همیشه یک طرف قضیه شاه است و طرف دیگر سایر افراد. به علاوه، شاه در غالب موارد فاعل سببی است و فقط دستور می‌دهد و دیگران مانند زریر، جاماسب بیدخش و بستور به عنوان فاعلی اصلی ایفای نقش می‌کنند. هر چند که در مواردی

---

<sup>۱</sup> - دانشیار دانشگاه ولایت، ایرانشهر m.mahmoudzahi@gmail.com



اشخاصی مانند زریر، جاماسب بیدخش و بستور نیز فاعل سببی می‌شوند و به دیگران برای انجام کارها دستور می‌دهند. موارد زیر می‌توانند از فواید این مقاله محسوب شوند: الف- ارائه مدلی نسبتاً قابل قبول برای تحلیل نقش فاعلی اشخاص شرکت‌کننده در دیگر متون ایرانی میانه، ب- کمک به ترجمه علمی‌تر متن یادگار زریران، ج- کمک به شناخت دقیق‌تر و ارزیابی اصالت و یا دست-کاری‌شدگی متن یادگار زریران، د- کمک به ارزیابی انسجام متن یادگار زریران از نظر درونی و برونی.

**کلیدواژه‌ها:** یادگار زریران، تحلیل کلام، نقش فاعلی. انسجام متن.

## پیشنهادی در باره تصحیح و قرائت دو واژه از کارنامه اردشیر بابکان

دکتر چنگیز مولایی<sup>۱</sup>

۱- یکی از نمودهای عینی و تظاهر مادی فرّه شاهی در *کارنامه اردشیر بابکان*، تجلی آن در قالب حیوانی فربه و نیکو است که لفظ دال بر آن در متن کارنامه (فصل ۳ بندهای ۱۱، ۱۵-۱۶ و ۲۲-۲۳) به صورت جی ضبط شده است. در باره معنی واژه محققان تقریباً اتفاق نظر دارند و آن را «قوچ» معنی می‌کنند؛ اما در قرائت آن همداستان نیستند. اغلب پژوهشگران به پیروی از آنتیا، آن را به صورت <sup>۱</sup>اجی تصحیح کرده و warrag خوانده‌اند؛ اما این لفظ در متون پهلوی و در متن‌های فارسی در معنی «قوچ» استعمال نشده است. در *شاهنامه* فردوسی به هنگام ذکر اخبار اردشیر بابکان در برابر آن لفظ فارسی «غرم» آمده است که به معنی «قوچ کوهی» است؛ بنا بر این، به نظر می‌رسد املائی مذکور پهلوی نیز باید لفظی به همین معنی باشد. با توجه به معادل واژه مورد بحث در *شاهنامه* و بر اساس شواهد و قراینی که در متن مقاله ارائه خواهد شد، احتمال می‌رود که واژه مذکور با اسقاط حرف ا که امری معمول در خط پهلوی است، تصحیفی از <sup>+</sup>جای باشد. املائی پیشنهادی اخیر را می‌توان rang خواند و «بز

کوهی، میش کوهی» معنی کرد. واژه «رنگ» به همین معنی در متون نظم و نثر فارسی، بویژه در متون قرن‌های چهارم و پنجم هجری فراوان به کار رفته است.

۲- املاي پهلوی غجاغ را که در کارنامه (فصل ۹ بند ۱۱) در بیان تجلی آذر فرنیغ به شکل پرنده، استعمال شده است، مصححان و گزارندگان کارنامه، و اخیراً فرانتس گرنه در متن ویراسته خود xrōs خوانده‌اند. این قرائت گر چه غیر ممکن نیست، اما چندان متناسب با املاي واژه به نظر نمی‌رسد. واژه را به سهولت می‌توان lwh<sup>۳</sup> حرف‌نویسی کرد و āluh خواند که به معنی «عقاب» است و در فارسی نیز به صورت «آله» باقی مانده و از ایرانی باستان \*ardifya- «راست‌پرواز»، (اوستایی -ərəzifiia-، سنسکریت -rjipyá-) مشتق شده است.

**کلیدواژه‌ها:** فرّه شاهی، برّه، قوچ، گرم، رنگ، آذر فرنیغ، خروس، آله.

## The Zoroastrian Long Liturgy in Sasanian Times

Prof. Alberto Cantera<sup>1</sup>

Against an extended view, it has been shown in the last years that the Zoroastrian long Liturgy is not a late product made up through the addition of different texts composed for other purposes. On the contrary, the extant Avestan texts were composed for being used in this ritual and, of course, at a time in which Avestan was still a living language. There is since then a continued ritual tradition that keeps celebrating a very similar ceremony with only slight changes already in its actual or a very similar form. The Nērangestān in its two versions (Avestan and Middle Persian) describes just two previous stages before the versions attested in the manuscripts. In this contribution, I will highlight the main differences between the Sasanian Long Liturgy as described in the Nērangestān and our manuscripts.

**Key words:** Sasanian Times, Manuscripts, Zoroastrian Long Liturgy, Avestan Texts, Nērangestān.

---

1 - Professor, Freie Universität Berlin Alberto.Cantera@fu-berlin.de

lead us to evoke the towers built in Iran near the *daxma*, notably in Shams (Province of Yazd), where a fire had to be enlightened in the first three days after the exposure of a corpse, the light from the fire operating there as a substitute of the sun rays. In a comparative viewpoint, we will discuss how the increasing importance given to the theme of the exposure to the sun (parsi guj. *Khoorshid nigirishn*) in the funerary practices of the Zoroastrians living in India, put this theme at the core of a contemporary communitarian controversy: the Parsi community in Mumbai, facing a major dysfunction of the traditional *daxma* system for a few decades because of the disappearance of vultures, has been divided about which solution to come to. Since the recently completed construction of a prayer hall in the cremation place located in the Worli area in Mumbai, more and more Parsis are now opting for cremation, considering that the prayers for the dead can be suitably performed there and that these prayers constitute the most important part of their funerary ritual. Notwithstanding, an important part of the Parsi community in Mumbai, mostly influenced by the esoteric movement known as *Ilm-e Khshnoom*, established in the beginning of the XX<sup>th</sup> century, still considers that the use of the *daxma* system is the only correct funerary practice for the Zoroastrians, on the basis of the assessment of a full synonymy between *daxma* and exposure to the sun rays. In this perspective, the *daxma* is now considered to be a sun-tower.

**Key words:** Zoroastrian funerary, Cremation Place, Daxma, Sun-tower.

## **Daxma: from Cremation Place to Sun-tower**

**Prof. Claudine Gauthier<sup>1</sup>**

This communication aims to investigate one of the key concepts of the Zoroastrian funerary practices, the *daxma*, from an anthropological and comparative viewpoint, between Iran and India. It is well-known that etymologically, the *daxma* originally refers to a place for the cremation of the dead. In the Avestan corpus such a practice is formally prohibited, while a major semantical ambivalence is revealed from the uses of this word in this very same corpus: the *daxma* is notably considered to be a place to demolish (V. 7, 50) as well as the right site to look for - or to erect - in case of death (V. 8, 2). We will firstly intend to give a short analysis of these ambivalences in the Avestan corpus, whilst also taking in to consideration the Pahlavi comments from the *Vidēvdād* that inform us about the historical development of the funerary practice of the exposure of the dead, that is still strongly associated nowadays to the word *daxma*. Secondly, we will focus on the Avestan injunction to expose the corpses with their gaze facing the sun (V. 5, 13-14: *huuarə.darəsim*), a detail that has become, over time, strongly linked to the Zoroastrian funerary practice to place them in a *daxma*. We will study then *why* it is so important for the dead to face the sun, considering purity matters as well as some symbolical representations, referring notably to the fate of the soul in the hereafter, and *how* different socio-cultural backgrounds have reinterpreted this injunction in history. This will

---

1 - Professor, Université de Bordeaux claudine.gauthier@u-bordeaux.fr

## **On the Role of Patronage in the Transmission of the Zoroastrian Texts**

**Prof. Almut Hintze<sup>1</sup>**

This talk explores the role of the laity in the transmission of the Zoroastrian sacred texts and its significance for the survival of the Avesta. Focusing on two of the oldest sponsors of whom we know, one from Iran and one from India, it will be argued that the engagement of the laity with the religious tradition, and the funding of priests to copy manuscripts and travel between the communities of Iran and India, proved vital for the continuity of the tradition.

**Key words:** Manuscripts, Zoroastrian Texts, Transmission, Patronage.

---

1 - Professor, SOAS, University of London ah69@soas.ac.uk

## **New Persian Zoroastrian Manuscripts Case Study: Zaradušt-nāmeḥ in the British Museum**

**Dr. Shima Jaafari Dehaghi<sup>1</sup>**

The language spoken after the Islamic conquest of Iran is traditionally known as Early New Persian by many scholars. This language has different varieties such as Jewish, Manichean, Christian and Zoroastrian. There are some manuscripts written in New Persian Zoroastrian which can be divided into 5 kinds from the view of their contents: translation and exegesis of Avestan, Pahlavi and Pāzand texts, complete treatises, Rivāyāt, historical and literary texts and moral treatises. Most of these texts are written in Arabic script.

Zaradušt-nāmeḥ, can be considered historical and it is the story of the life of Zaratuštra. This manuscript kept in the British Museum is in verse and written in Iran in the 13th century. The aim of the present work is to introduce this manuscript and render some aspects of its paleography, stylistic features, structure, layout, linguistic and philological features. In addition, the important issue dealing with the original writer or the copyist of this manuscript will be dealt with.

**Key words:** Manuscripts, Early New Persian, Zoroastrian, Zaradušt-nāmeḥ, British Museum

---

1 - Velayat University, Iranshahr shimajd@yahoo.com



## šyr” in Buddhist Sogdian texts

Prof. Zohreh zarshenas<sup>1</sup>

The word “šyr” meaning “good, well, excellent” (Gharib 1995:9403) has occurred in all three groups of Sogdian texts, i.e. Manichean, Christian and Buddhist Sogdian:

There are some forms and compounds of the word in Sogdian texts, or is used in some combinations, such as:

1-Buddhist Sogdian texts:

2-šyr ‘k’ meaning “good, nice” (VJ.1343) .

3-Christian Sogdian texts:

šyr’kty’ meaning “good deed, pious action” (C2,61R23).

4-Manichean Sogdian texts :

šyr’nk’r’y meaning “pious” (Hen.Tales. 476.4).

In some Buddhist Sogdian texts the translators have used the word to translate different Chinese words and especially Buddhist terms.

In this paper all the usages of the word and its Sanskrit or Chinese equivalents are studied and compared in order to find out the exact meaning and usage of the word šyr.

**Key words:** Sogdian Tets, Buddhist Texts, Tanslation, Šyr.

---

<sup>1</sup> - Institute for Humanities and Cultural Studies [zzarshenas@yahoo.com](mailto:zzarshenas@yahoo.com)

## **Scientific Board**

**President:** Prof. Mohammad Reza Sarfi

**Scientific Secretary:** Dr. Abbas Azarandaz

**Executive Secretary:** Dr. Masoumeh Bagheri Hassankiadeh

**Secretary of International Affairs:** Dr. Ali Asghar Maghsoudi

**Dariush Akbarzadeh**, Research Institute of Cultural & Tourism

**Abbas Azarandaz**, Shahid Bahonar University of Kerman

**Masoumeh Bagheri Hassankiadeh**, Shahid Bahonar University of Kerman

**Alberto Cantera**, Freie Universität Berlin

**Carlo Cereti**, University of Rome

**Hamid Reza Dalvand**, Institute for Humanities and Cultural Studies

**Claudine Gauthier**, Université de Bordeaux

**Saloumeh Gholami**, Goethe-Universität Frankfurt am Main

**Fazaneh Goshtasb**, Institute for Humanities and Cultural Studies

**Almut Hintze**, University of London

**Ali Asghar Maghsoudi**, Shahid Bahonar University of Kerman

**Mousa Mahmodzahi**, Velayat University- Iranshahr

**Katayoon Mazdapoor**, Institute for Humanities and Cultural Studies

**Changiz Mowlae**, University of Tabriz

**Hassan Rezai Baghbidi**, University of Tehran

**Mohammad Reza Sarfi**, Shahid Bahonar University of Kerman

**Zohreh Zarshenas**, Institute for Humanities and Cultural Studies





# **The International Seminar of Middle Iranian Languages**

**The Research Center for Islamic and Iranian Culture  
Shahid Bahonar University of Kerman  
October 15 & 16, 2017**

**Organized by  
The research Group of the Ancient Iranian Languages and  
Culture**

**The Research Center for Islamic and Iranian Culture  
Goethe University Frankfurt  
Institut für Iranistik, Freie Universität Berlin**

**Venue:  
The Research center of Islam and Iran Culture  
Shahid Bahonar University of Kerman  
isil2en.uk.ac.ir**